



# پلاسکو؛ نمادی از زیست‌ناپذیری شهری و ناکارآمدی مدیریت بحران کلان‌شهرها

دکتر مراد کاویانی‌راد\*

## اشاره:

موقعیت جغرافیایی کشورمان به گونه‌ای است که زمینه رخداد انواع بلایای طبیعی در آن وجود دارد. رویدادهای یادشده سالانه هزینه‌های جانی و مالی کلانی بر شهروندان تحمیل می‌کنند. با این حال، آن چیزی که با عنوان بلایای طبیعی از آن یاد می‌شود و هزینه‌آفرین است، بیش از آنکه خاستگاه طبیعی داشته باشد برآیند پایین بودن سواد زیست‌محیطی شهروندان، حاکمیت سرمایه بر ساخت و ساز و ناکارآمدی مدیریت بحران در مقیاس ملی و فروملی است. فروریزش ساختمان پلاسکو در تهران و جان‌باختن شماری از آتش‌نشانان و شهروندان که با واکنش همه مسئولان نظام و بازتاب‌های عاطفی گسترده در سطح جامعه همراه بود، بار دیگر نشان داد که ایمنی و مدیریت بحران، چالش بنیادی مدیریت شهرها به ویژه کلان‌شهرهای ایران هستند که بیشینه جمعیت کشور (۷۳ درصد) را در خود گنجانده‌اند. در تهران که با انواع مخاطرات محیطی درگیر است نزدیک به چند هزار ساختمان همانند پلاسکو وجود دارد که در صورت رخداد زمین‌لرزه فاجعه انسانی رخ خواهد داد. رویداد پلاسکو نشان داد مدیریت بحران در پایتخت یارای رویارویی با چنین پیشامدهایی را ندارد. امروزه نه تنها تهران، بلکه بیشتر شهرها و همه کلان‌شهرهای کشور برخاسته از عوامل پیش گفته در برابر چنین حوادثی تاب‌آوری لازم را ندارند. متن پیش روی بر آن است که بحران‌های مرتبط با تاب‌آوری شهری و ناکارآمدی مدیریت بحران کلان‌شهرهای کشور را با تأکید بر پیشامد فروریزش پلاسکو واکاوی کند.

## مقدمه

امنیت گواه بر وجود زمینه‌ها و زیرساخت‌های کالبدی و روانی است که برخاسته از چنین زیرساخت‌ها و بستریایی، شهروندان نسبت به جان، مال و حقوق خویش احساس زیست پایدار همراه با آرامش دارند. طی یک‌سده سال گذشته دست کم دو رویکرد فراگیر به مقیاس و مرجع امنیت وجود داشته است: رویکرد واقع‌گرایی که حکومت و کشور را سنجه امنیت و ابزار تأمین امنیت را توانش نظامی دولت آن‌هم در برابر تازش کشورهای دیگر می‌داند و شهروندان در خدمت کشور

و حکومت هستند و امنیت شهروندان در پیوند با امنیت حکومت و دولت تعریف می‌شود. با فروپاشی شوروی تهدیدهای نوینی مانند تروریسم فراملیتی، جابه‌جایی گسترده جمعیت، بیماری‌های واگیردار، محرومیت بلندمدت، بحران‌های محیط زیست، جرایم بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر و غیره مقیاس امنیت در چهارچوب کشور را به چالش کشاندند به گونه‌ای که رویکرد واقع‌گرایی از واکاوی و تبیین مخاطرات نوپدید در مانده نشان داد. از این رو، بازتعریف امنیت در حوزه واقع‌گرایی بایسته‌ای‌گریزناپذیر می‌نمود. بر این پایه، رویکرد امنیت انسانی با محوریت مردم و رویکردی ایجابی، سنجه امنیت قرار گرفت. بدین معنا که حاکمیت باید شرایط لازم برای زیست پایدار و حفظ امنیت شهروندان را فراهم کند. در این میان، امنیت محیط زیست و مسائل و چالش‌های زیستگاهی



شهروندان یکی از پُر پژوهش‌ترین جستارهای امنیت انسانی طی دو دهه اخیر بوده است. این بخش از امنیت انسانی، سلامت، بهداشت، امنیت غذایی، امنیت آب و امنیت زیستگاه شهروندان را پوشش می‌دهد به گونه‌ای که هر یک از این موارد این امکان را دارند که به یک مسئله امنیتی تبدیل شوند.

مختلف امنیت انسانی بسیار شکننده و امنیت شهروندان آسیب‌پذیر است. بر این پایه، جستارهای تاب‌آوری و زیست‌پذیری شهری از نمودهای امنیت انسانی است که طرح آن عمدتاً برخاسته از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی است که بیشتر شهرها به ویژه در کشورهای در حال توسعه درگیر آنها هستند. چالش‌هایی که کیفیت زندگی و به تبع آن زیست‌پذیری بسیاری از شهرها را به شدت فروکاسته است.

### فروریزش پلاسکو

ساختمان ۱۷ طبقه تجاری (تولیدی و فروشگاه لباس) پلاسکو با عمری نزدیک به ۵۴ سال و زیربنایی ۲۹ هزار متر مربع واقع در خیابان جمهوری تقاطع خیابان فردوسی تهران حدود ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه (۳۰ دی) آتش گرفت و پس از نزدیک به سه ساعت و نیم عملیات فرونشانی آتش، ساختمان به یکباره و کامل فروریخت. سازه ساختمان پلاسکو سراسر فولادی بود و حتی نمای بیرونی آن کلاف‌کشی و با فولاد بسته شده بود که با این شیوه ساخت استوار، عمر مفید آن را ۲۰۰ سال برآورد کرده بودند. در همان ساعات نخست پس از ریزش ساختمان، بوی شدید گاز منطقه را فراگرفت. از آنجا که مسئولان شهری احتمال گسترش حادثه را می‌دادند از مردم خواستند محل را ترک کنند. این در حالی بود که این ساختمان اساساً به شبکه گاز متصل نبود که گازی نشت کند. با این حال درباره عوامل و زمینه‌های این حادثه اطلاع‌رسانی با کاستی‌های بنیادی همراه شد به گونه‌ای که طی همان هفته نخست،

حادثه پلاسکو جلوه‌های غم‌انگیزی از «کاستی‌ها» و «ناکارآمدی‌ها» بود؛ با این حال، فرصتی فراوی کارگزاران و دست‌اندرکاران قرار داد تا بار دیگر خویش‌کاری و رسالت خود در برابر جان، مال و امنیت شهروندان را بازیابی کنند و روش‌های مدیریت بحران، آمادگی و توانمندی خود را بسنجند.

یافته‌های موجود گویای آن هستند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به واسطه افزایش جمعیت، مهاجرت، رشد پُرشتاب شهرنشینی، پایین بودن سطح سواد زیست محیطی، حاکمیت سرمایه بر ساخت و ساز، رویکرد کمی محور بر توسعه، بحران محیط زیست به ویژه در مدیریت منابع، بسیاری از مناطق توانش اکولوژیک‌شان به علت بارگذاری بالا شکننده شده و نتوانسته‌اند زمینه زیست ماندگار شهروندان را فراهم کنند. از سوی دیگر، نهادهای مدیریتی مرتبط نیز به واسطه ناکارآمدی در پیشگیری در عوامل بحران بی‌گمان از مدیریت پسا بحران نیز ناتوان خواهند بود که در پی آن، آسیب‌ها و زیان‌های کلانی به جان و مال شهروندان وارد خواهد شد. در این کشورها، به واسطه حاکمیت رویکرد واقع‌گرایی بودجه‌نظامی که تأمین‌کننده امنیت حکومت و کشور است، اساساً با بودجه مرتبط با امنیت انسانی شهروندان سنجش‌پذیر نیست و سویه‌های

آن را بیشتر نشان خواهد داد. فروریزش پلاسکو با تحلیل‌ها و تفسیرهای گوناگون سیاسی، زیست‌محیطی و فرهنگی همراه شد که در این میان، دست کم طی چند روز نخست این پیشامد، تفسیرهای سیاسی نمود و بسامد بیشتری داشت و افراد و جریان‌های مختلف سیاسی کوشیدند از این رخداد به سود خود و به فراخور انتخابات شورای شهر و ریاست جمهوری آینده بهره‌برداری کنند. اما یک هفته پس از فروریزش پلاسکو و انتشار برخی آمارها و داده‌ها، تحلیل‌ها نمودی کارشناسانه‌تر با درون‌مایه‌ای هشدارگونه یافتند که حادثه ساختمان پلاسکو، هشدار جدی در باره ضرورت نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده و تجهیز هزاران ساختمان فرسوده و ناکارآمد است که با اندک زیرساخت‌های ایمنی در برابر حوادث غیرمترقبه در کلان‌شهرهای کشور قد برافراشته‌اند.

### مدیریت بحران پلاسکو

مدیریت بحران و وجود قوانین کاهش بحران از ویژگی‌های کشورهای است که برخاسته از وضعیت جغرافیایی‌شان در معرض پیشامدهای غیرمترقبه طبیعی و ناگهانی قرار دارند. در این کشورها نهادها و دستگاه‌های گوناگونی مسئول هماهنگ کردن دیگر نهادها درباره کاهش بحران، بررسی شکاف‌های قانونی و رویارویی با شرایط ویژه و بازسازی و بازگشت به اوضاع عادی هستند. در این میان، یکی از مهم‌ترین مسائل در پیشگیری و مدیریت بحران، فرهنگ‌سازی و آموزش هم‌پسا و هم‌پیشا حادثه است تا بدین وسیله آسیب‌های انسانی و مادی حوادث تا حد ممکن فروبکاهد. بر بنیاد برآوردهای موجود و به واسطه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی کشور در تهران، این شهر جزء ۱۰ شهر آسیب‌پذیر اقتصادی جهان است. آمارها نشان می‌دهند این کلان‌شهر تقریباً در برابر همه حوادث آسیب‌پذیر است چرا که زمینه‌ها و شناسه‌های آسیب‌پذیری پایتخت زیاد است. برای نمونه تراکم جمعیت در این شهر بسیار بالاست. مسیل‌های زیادی در تهران وجود دارد، میزان بافت فرسوده گسترده زیاد است (۳۳۰۰ هکتار بافت فرسوده)، زیرساخت‌های حیاتی تهران فرسوده و ناکارآمد هستند. کلان‌شهر تهران بر روی شمار زیادی از گسل‌های آشکار و نهان گسترده شده است که در این میان، احتمال فعال‌شدن سه گسل مشا، جنوب ری و شمال تهران بالاست. فعال‌شدن هر یک از این گسل‌ها، آسیب‌های جانی و مالی کلانی در پی خواهد داشت و سال‌هاست که کارشناسان درباره خطر بروز

شعله‌ور شدن انبار گازوئیل در طبقات بالای ساختمان را عامل آتش‌سوزی دانستند. این در حالی بود که هیئت امنای ساختمان اعلام کرد هیچ منبع گازوئیلی در طبقات نبوده و گازوئیل فقط در موتورخانه و زیرزمین بوده است. همچنین عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور اتصال برق را علت این حادثه ذکر کرد. به هر روی، طی این رخداد ۱۶ تن از آتش‌نشانان به شهادت رسیدند، چهار شهروند (از مغازه‌دارانی که برای خارج کردن کالاهای خود به داخل رفته بودند) در زیر آوارها جان سپردند (هر چند آمارهای متفاوتی درباره مفقودان هنوز مطرح است). در پی این حادثه یکی از قدیمی‌ترین سازه‌های کشور با خاک یکسان شد و اندوه عمومی ژرفی را در سراسر کشور بر جای نهاد که واکنش همه مسئولان نظام درباره همدردی با خانواده‌های داغدار و پیگیری عوامل بروز حادثه را در پی داشت. پس از حادثه، هیئت دولت روز شنبه ۲ بهمن را عزای عمومی اعلام کرد. عملیات آواربرداری پلاسکو، حدود ۹ روز به درازا کشید و طی آن ۱۹۰۰ کامیون یعنی در حدود ۲۰ هزار تن خاک و نخاله را از محل بیرون بردند. هر چند میزان خسارات فروریزش هنوز در دست بررسی است اما نخستین برآوردها از آتش‌سوزی پلاسکو گویای رقمی نزدیک به ۱۵۰۰ میلیارد تومان بود. در پی فروریزش این مجتمع تجاری نزدیک به ۶۰۰ نفر از کسبه افزون بر از دست‌دادن اجناس، وسایل، اسناد و مدارک خود، محل کسب خود را نیز از دست دادند که بی‌گمان از نظر اقتصادی با بحران‌های جدی روبه‌رو خواهند شد؛ بحرانی که گذشت زمان، ژرفا و پیامدهای

زمین‌لرزه هشدار می‌دهند و زینهار داده‌اند که اگر طی ۱۸۰ سال گذشته در تهران زلزله‌ای رخ نداده است، دلیل بر نیامدن آن نیست بلکه به معنی شدت انباشت و توان ویرانگری زمین‌لرزه است. این در حالی است که ۶۰ درصد ساختمان‌های تهران در برابر خطر زلزله ناپایدار و سُست هستند. پس از حادثه پلاسکو این پرسش در اذهان شکل گرفت که اگر زلزله‌ای بزرگ در تهران رخ دهد و هزاران ساختمان این شهر از جمله ده‌ها ساختمان و برج قدیمی و جدید آن که به مراتب بلندتر از پلاسکو هستند فرو بریزند، چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد؟ سرنوشت ساکنان آن ۶۰ درصد چیست؟ به نظر می‌رسد مدیریت بحران رخداد پلاسکو می‌تواند سنجه ارزیابی این نگرانی به حق قرار گیرد. واقعیت آن است که حادثه پلاسکو جلوه‌های غم‌انگیزی از «کاستی‌ها» و «ناکارآمدی‌ها» بود. با این حال، فرصتی فراروی کارگزاران و دست‌اندرکاران قرار داد تا بار دیگر خویش‌کاری و رسالت خود در برابر جان، مال و امنیت شهروندان را بازبینی کنند و روش‌های مدیریت بحران، آمادگی و توانمندی خود را بسنجند. یافته‌های موجود درباره پلاسکو نشان می‌دهند که از نظر تأسیساتی این ساختمان، پارکینگ، سامانه گرمایش مرکزی، لوله‌کشی گاز، سامانه‌های ایمنی و آتش‌نشانی، سامانه‌های اعلام و اطفای حریق خودکار نداشته است. در برابر این بی‌پروایی‌ها نسبت به ایمنی ساختمان، دستگاه‌های نظارتی وجود دارند که می‌بایست پیش از بحران رسیدگی و اقدام‌های لازم را پیگیری می‌کردند. آنچه آشکار است بر پایه قوانین و مقررات، دستگاه‌هایی که مسئولیت داشته‌اند پیش از رخداد آتش‌سوزی، درست انجام وظیفه نکرده‌اند که با شرح وظایف به شماری از آنها پرداخته می‌شود:

\* بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری که به وظایف شهرداری می‌پردازد تصریح دارد که «اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی، کوچه‌ها، اماکن عمومی و دالان‌های عمومی و خصوصی، پر کردن و پوشاندن چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر، جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیاء در بالکن‌ها و ایوان‌های مشرف و مجاور به معابر عمومی که افتادن آنها موجب خطر برای عابرین است و جلوگیری از ناودان‌ها و دودکش‌های ساختمان‌ها که باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد» و در تبصره این بند آمده است «در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت‌های مندرج در ماده فوق، شهرداری پس

از کسب نظر مأمور فنی خود به مالکین یا صاحبان اماکن یا صاحبان ادوات منصوب ابلاغ مهلت دار متناسبی صادر می‌نماید و اگر دستور شهرداری در مهلت معین به موقع اجرا گذاشته نشود، شهرداری رأسا با مراقبت مأمورین خود اقدام به رفع خطر یا مزاحمت خواهد نمود و هزینه مصروف را به اضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سینماها، گرمابه‌ها، مهمانخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، کافه‌رستوران‌ها، پاساژها و امثال آن که محل رفت و آمد مراجعه عمومی است نیز می‌باشد»؛

\* در بند ۶ تصویب نامه الزام کلیه دستگاه‌های مقرر به اجرای اقدامات مربوط در بخش آتش‌نشانی و امور ایمنی مصوب ۱۴/۱۰/۱۳۹۴ هیئت وزیران، وظایفی برای شهرداری‌ها به این شرح تعریف شده است که «پیش‌بینی خرید خودروهای نردبان‌دار و بالابر هیدرولیکی آتش‌نشانی و تجهیزات مربوط در بودجه سنواتی شهرهای دارای ساختمان‌های بلند مرتبه»؛

\* به موجب مقررات مربوط به سازمان آتش‌نشانی «ماده ۳ اساسنامه آتش‌نشانی وظیفه نجات جان انسان‌ها و مهار و اطفای حریق، مسئول نظارت، کنترل و تحقق شرایط ایمنی، ساختمان‌ها و استانداردها و تجهیزات آنها در مقابل سوانح را دارد»؛

\* شورای اسلامی شهر تهران نیز «به استناد بند ۱۹ ماده ۷۱ قانون شوراها برای اتخاذ تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری از خطر آتش‌سوزی مسئولیت دارد»؛

\* به موجب «ماده ۹۱ قانون کار، کارفرمایان و مسئولان واحدهای تولیدی

مكلف هستند بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برای تأمین حفاظت، سلامتی و بهداشت کارگران در محیط کار و وسایل و امکانات لازم را فراهم نموده و در اختیار آنها قرار دهند»؛

\* وزارت کشور «در بودجه‌های سنواتی سالانه موظف است نسبت به پیش‌بینی بخشی از کمک هزینه خرید تجهیزات فوق اقدام نماید»؛

\* سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است نسبت به اختصاص اعتبار مورد اشاره در قوانین بودجه سنواتی به وزارت کشور جهت کمک هزینه خرید تجهیزات فوق اقدام نماید؛

\* بر پایه «مبحث ۲۲ مقررات ملی ساختمان (نوع بهره‌برداری)، وزارت راه و شهرسازی، موظف به تشکیل تیم‌های بازرسی جهت نظارت بر ایمنی ساختمان در زمان بهره‌برداری است»؛

\* به موجب ماده ۳۳ و ۳۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۲ نظام مهندسی و کنترات ساختمان وزارت راه و شهرسازی جهت نظارت عالی بر اجرای مقررات ملی ساختمان، نسبت به بازدید نمونه‌ای و موردی موظف است؛

\* به استناد «ماده ۱۴ قانون تملک آپارتمان‌ها هیئت مدیره ساختمان مکلف به بیمه نمودن ساختمان در برابر آتش‌سوزی است و مالک ساختمان به استناد ماده ۹۱ قانون کار پس از اعلام و گزارش بازرسی کار موظف به رفع خطر است».

بر پایه گزارش‌ها در زمان آغاز آتش‌سوزی پلاسکو تا روز دوم حادثه به واسطه نبود مدیریت یکپارچه بحران، فعالیت‌های امداد رسانی به‌کندی و

گسیختگی همراه بود به گونه‌ای که هر گروه آتش‌نشانی سر خود در پی مهار بحران بود که تبعاً در صورت گسترش دامنه حادثه این گسیختگی مدیریتی ناکارآمد خواهد بود. رخداد پلاسکو نشان داد دستگاه‌های متعددی که از منظر قانونی وظیفه داشته‌اند تقریباً هیچ یک کار خود را به درستی انجام نداده و گام‌های لازم را پیش از وقوع حادثه برنداشته‌اند و پس از حادثه نیز به فراقنی پیشامد، گرایش بیشتری نشان دادند به گونه‌ای که هیچ یک حاضر به پوزش‌خواهی نشدند. در قانون مدنی پیش‌بینی شده است که اگر ملکی در اثر بی‌توجهی در نگهداری یا عدم مواظبت خراب شود، مسئول تمام خرابی و خسارات مالک است. با توجه به اینکه ساختمان پلاسکو به عنوان یک ساختمان تجاری شناخته شده و واحدهای صنفی زیادی در آن مشغول فعالیت بوده‌اند، مالک ساختمان که بنیاد مستضعفان است، از نظر معیارهای حقوقی موظف بوده موازین فنی در نگهداری ساختمان را رعایت کند و آن را به سامانه‌های هوشمند اطفاء حریق و دیگر جوانب فنی مجهز کند. بنابراین، از نظر حقوقی نمی‌توان مسئولیت گسترش آتش‌سوزی و تخریب ساختمان از جانب مالک آن را نادیده گرفت. در ساختمان پلاسکو، به‌رغم وجود درآمدهای بالا، هزینه‌چندانی برای ایمن‌سازی انجام نشده که همین موضوع، به افزایش دامنه حادثه انجامیده است. از این رو، حادثه پلاسکو «نوک کوه یخ» ناتوانی مدیریت بحران در شهر تهران بود که گوشه‌ای از ناتوانایی در مدیریت بحران، آن هم در مقیاس کوچک و محدود تخریب ساختمانی قدیمی را به نمایش گذاشت. بر بنیاد گزارش‌های موجود بافت تاریخی و فرسوده بازار تهران به‌عنوان قلب اقتصادی تهران که یکی از اصلی‌ترین نقاط اقتصادی و گردشگری تهران و حتی ایران به‌شمار می‌رود، از نظر ایمنی در سطح پایینی است که در صورت رویداد حادثه‌ای مانند ساختمان پلاسکو هزینه کلانی بر جامعه شهری تحمیل خواهد کرد. حادثه فروریزش ساختمان پلاسکو که در برابر پیشینه بازار تهران قدمت چندانی نداشت، این هشدار را به مسئولان حوزه شهری داد که تاب‌آوری بافت‌های فرسوده به‌ویژه بافت‌های فرسوده تاریخی همچون بازار در برابر حوادث طبیعی و انسان‌ساخت به اندازه‌ای پایین است که باید در روزگاری نه‌چندان دور انتظار فاجعه به مراتب کشنده‌تر و ویرانگرتر از حادثه پلاسکو را داشت. کارشناسان بر این باور هستند که در صورت رخداد زمین‌لرزه در تهران با توجه به اینکه بیشتر خانه‌ها و مغازه‌های بازار تهران که با مصالح سنگین



و نامقاوم ساخته شده و بافت متراکمی دارند به فاجعه‌ای به مراتب گسترده‌تر و ویرانگرتر از حادثه ساختمان پلاسکو خواهد انجامید. پیشامدی مانند آتش‌سوزی نیز در اندک زمانی هویت تاریخی و ملی بازار تهران و جان بسیاری از کسبه و شهروندان که برای خرید و گردش به بازار رفته‌اند را به خطر خواهد انداخت. از این رو، این پیشامد از نظر حجم خسارات جانی، مالی و روانی، آسیبی صدها برابر بیش از حادثه آتش‌سوزی پلاسکو در پی خواهد داشت و این بار ملت ایران در سوگ صدها و شاید هزاران نفر از هموطنان خود خواهند نشست.

### کشش شهروندان

زمان حادثه و همچنین زمان فروریختن ساختمان پلاسکو شمار زیادی از شهروندان از میدان جمهوری و بهارستان از سر کنجکاوی یا کسب اطلاع از وضعیت به سوی محل حادثه رهسپار شدند که این حرکت پس از گذشت مدت‌زمانی اندک به ازدحام انبوه جمعیت در مسیر خیابان جمهوری انجامید به گونه‌ای که امدادسانی و گذر خودروهای امدادسان با مشکل روبه‌رو شد. بسیاری از مردم حاضر در محل حادثه اقدام به فیلم‌برداری و گرفتن عکس سلفی از خود (عده‌ای از روی خودروهای امداد و آتش‌نشانی) کردند. انتشار این عکس‌ها در شبکه‌های اجتماعی با واکنش شدید نكوهش‌آمیز مردم همراه شد؛ با این توجیه که اگر چند فیلم کمتر گرفته می‌شد، چند نفر بیشتر زندگی می‌کردند. واقعیت آن است که اساساً آموزش رسمی درباره این دست حوادث از طریق رسانه‌ها و کتب درسی به مردم داده نشده است و کسانی نیز که اقدام به گرفتن عکس کردند نیز احتمالاً هرگز به دهنشان نمی‌رسید که آتش‌سوزی که در ظاهر رو به خاموشی بود، به چنین حادثه‌ای غم‌انگیزی بیانجامد. کما اینکه پس از حادثه، صفی‌طولانی از مردم برای اهدای خون تشکیل شد، با خانواده‌های داغدار همدردی کردند و در مراسم ختم آتش‌نشان‌های شهید حضور پرشمار یافتند. با این حال، رفتارشناسی عموم مردم در این رخدادها نیازمند بررسی جدی است که این موضوع در مدیریت بحران اهمیت بسیار دارد زیرا مردم نقش بنیادی در یاری‌رسانی و نجات در این گونه حوادث دارند و می‌توانند با آموزش‌های لازم و هدفمند جزو امدادگران اولیه این دست رویدادها باشند. از این رو، در این حادثه رفتارهای متفاوتی از مردم در قالب کسبه، مالکان و کسانی که در محل حادثه و در

محدوده این ساختمان حضور داشتند، بروز کرد که نیاز است رفتارها مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد.

### بازتاب‌های مدیریت فروریزش

بر بنیاد ویژگی‌ها و شناسه‌هایی که برشمرده شد بستر جغرافیایی ایران، ناامن است و نتوانسته امنیت مادی و روانی را برای شهروندان آن بیافریند. از سوی دیگر، شهرنشینی پرشتاب، پایین بودن فرهنگ زیست‌محیطی، رویکرد رشد محور به مقوله توسعه و حاکمیت سوداگری بر گسترش شهرها به فروسایمی محیط زیست کشور در مقیاس کلان و تخریب توانش بوم‌شناختی (آلودگی و فرونشست) شهرها انجامیده است. از این رو، بحران زیست‌محیطی و تخریب زیست‌بوم‌ها از چالش‌های بنیادی نظام توسعه شهری کشور است. بر بنیاد پژوهش‌ها در هر ثانیه ۳۶۰ متر مربع از سطح جنگل‌ها و مراتع کشور زدوده می‌شود و در هر پنج سال یک میلیون هکتار از جنگل‌های ایران نابود می‌شود. به دیگر سخن، سالانه یک و نیم درصد از جنگل‌های کشور از میان می‌روند. همه کلان‌شهرهای کشور به واسطه برداشت بی‌رویه آب از منابع آب‌های زیر‌زمینی کمابیش با فرونشست درگیر هستند. گسترش بسیاری از شهرهای به ویژه کلان‌شهرهای کشور بر بنیاد معیارهای شهرسازی انجام نشده و حتی به سوی عرصه‌های پرخطر گسترش یافته است. این شهرها در یک بی‌قاعدگی تمام‌عیار شکل گرفته و زیرساخت‌ها، بناها و ساختمان‌های آنها نیز بی‌پروا نسبت به مقررات ملی ساختمان، استانداردها و ضوابط ایمنی رشد کرده‌اند. پاساژ پلاسکو



تند باردار، امور جاری زیست شهری و اجتماعی بر می‌آشوبد و هزینه کلان مالی و گاه جانی بر جای می‌نهد، رخدادهایی که بسیاری از آنها قابل پیشگیری هستند. از این رو، سکونتگاه‌های شهری ایران با چالش‌های انسانی و زیستگاهی پُرشماری همچون زلزله، سیل، آلودگی هوا، فرونشست زمین، ناکارآمدی زیرساخت‌ها، مشارکت مدنی و غیره روبه‌رو هستند. بر پایه برآوردها ۹۰ درصد جمعیت ایران در خطر برخاسته از مخاطرات زیست محیطی قرار دارند. نگرانی آنجاست که سکونت‌گاه‌های (شهری و روستایی) کشورمان ضریب تاب‌آوری بالایی ندارند و با رویداد کمترین بلای طبیعی (زمین‌لرزه، رانش زمین، بهمن، سیل، طوفان، گردباد، سرما و گرمای شدید، خشکسالی و غیره) شهرها تاب‌آوری خود را از دست می‌دهند و درگیر چالش‌های زیست محیطی بسیار می‌شوند.

رخداد پلاسکو نشان داد دستگاه‌های متعددی که از منظر قانونی وظایفی را در این باره بر عهده داشتند، تقریباً هیچ یک کار خود را به درستی انجام نداده و گام‌های لازم را پیش از وقوع حادثه برنداشته‌اند و پس از حادثه نیز به فراکنی پیشامد، گرایش بیشتری نشان دادند به گونه‌ای که هیچ یک حاضر به پوزش‌خواهی نشدند.

علاوه بر این ساختار زیست‌شهری در ایران دچار آشفتگی‌های بنیادی است و شهرها بیش از آن که بستری برای رفاه و بلندگی شهروندان باشند به کالاهای تجاری و محلی برای درآمدزایی تبدیل شده‌اند. پیامدهای زیست محیطی و روانی برخاسته از توافق سوداگران عرصه ساخت و ساز و مدیریت شهری هزینه‌های کلانی بر شهروندان تحمیل کرده به گونه‌ای که زیست‌پذیری شهری روندی کاهنده یافته است. داده‌های چند سال اخیر و حتی همین اواخر بهمن ماه نشان داده‌اند که رخدادهایی همچون بارش‌های

نمونه‌ای از مجموعه‌ای گسترده و پُرشمار ساختمان‌هایی است که در شهرهای ایران در نایمی به سر می‌برند. بسیاری از مراکز تولید، ذخیره مواد شیمیایی و سمی در شهرهاست که طرحی برای مدیریت حوادث احتمالی آنها در انداخته نشده است و حتی بیشتر مردم از وجود چنین مراکزی آگاه نیستند. انتقال گاز و شبکه انرژی یکی از مخاطرات جدی تولید خطر شهرهاست. به جرأت می‌توان گفت همه کارگزاران و دست‌اندرکاران از وجود چنین خطراتی آگاه هستند اما کمتر در برخورد با بحران‌ها و مخاطرات از خود رویکرد مدیریت بحران نمایانده‌اند. ریزش پلاسکو و پوشش رسانه‌ای گسترده حادثه بسیاری از مسئولان شهری دیگر شهرها و کلان‌شهرها را به بازنگری وضعیت موجود شهرهای خود واداشت. عموم مباحث نیز به نوعی ناظر بر «بحران مدیریت» بود تا «مدیریت بحران». از این رو، بازنگری نسبت به کارکردها و آگاهاندن مردم از چالش‌های پیش رو برای همه شهرها و کلان‌شهرها گریزناپذیر است.

### تاب‌آوری شهری در ایران

واقعیت آن است که مخاطرات بسیاری، کلان‌شهرهای ایران را تهدید می‌کنند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که از ۴۱ مورد بلایای طبیعی مهم جهان، ایران درگیر ۳۹ مورد آنهاست. از زمین‌لرزه و سیل گرفته تا آلودگی آب و هوا تا فرونشست زمین. برای نمونه سالانه حدود دو هزار زمین‌لرزه با درجات مختلف در کشورمان روی می‌دهد. تجربه سیل‌ها و زمین‌لرزه‌های مختلف در شهرهای کشور نشان می‌دهند که اگر باد پرشابی در شهری بوزد و بارانی



حادثه پلاسکو در تهران بخش آشکار کوه یخ ناکارآمدی مدیریت بحران برخاسته از تنوع دستگاه‌های مؤظف در امور شهری، زیست‌ناپذیری شهری، فرهنگ پایین زیست محیطی شهروندان در برابر مخاطرات و پیشینه دیرپای رویکرد سوداگرایانه مدیریت شهری با سوداگران بخش ساخت و ساز بود. شناسه‌های حادثه پلاسکو به گونه‌ای است که در هر یک از کلان‌شهرهای ایران امکان پیدایش و گسترش دارد. در خود تهران بازار و بخش پهناور بافت فرسوده به شدت مستعد پلاسکوشدن هستند با این تفاوت که این بار گستره و شمار تلفات انسانی و مالی در صورت بروز آتش‌سوزی و زمین‌لرزه بسیار فراتر از حادثه پلاسکو خواهد بود. فروریزش پلاسکو نشان داد که مدیریت بحران در کشور خود دچار «بحران مدیریت» است. این حادثه هشدار برای مسئولان بود که می‌تواند ایمنی را جدی بگیرند و بدانند که این گونه حوادث هر دم برای همه ساختمان‌های شهر به ویژه ساختمان‌های قدیمی و همه بافت‌های فرسوده وجود دارد. از این رو، تدوین یک چهارچوب برای ارتقاء ایمنی ساختمان‌ها، تاب‌آوری شهرها، بایسته‌های زیست‌محیطی و افزایش سطح فرهنگ شهروندان پیش و پس از بحران به ویژه در مناطق با تراکم و ساختمان‌های بلندمرتبه، گزینه‌ای گریزناپذیر است. دیگر آنکه مدیریت موجود به شدت گسیخته و مسئولیت‌گریز است از این رو، مدیریت یکپارچه بحران و مدیریت واحد شهری حتماً باید در سرفصل تدوین مدیریت نوین بحران در همه کلان‌شهرهای کشور قرار گیرد.

سنگین برف، سیلاب و وزش طوفان گرد و خاک این توانایی را دارند که میلیاردها تومان خسارت مالی بر جای بگذارند و حتی جان شهروندان را بگیرند. طوفان ریزگرد خوزستان و ایلام طی همین چند روز از نمودهای مخاطرات محیطی به شمار می‌روند که اعتراض‌های گسترده مردم و نمایندگان آنها را در مجلس در پی داشت و عملاً تا کنون کاری نیز از دولت برنیامده است.

در پی بارش باران چند استان حوضه آبریز مرکزی دچار سیلاب و چندین روستا تخلیه شدند؛ یک بند در هم شکست و راه‌های بسیاری بسته شد. واقعیت آن است که سیلاب‌های اواخر بهمن‌ماه بیش از اینکه برآیند بارش سنگین بوده باشند، برآیند ناکارآمدی مدیریت منابع آب بود که نتوانست از این منابع درست و در راستای آبخیزداری و آبخوان‌داری و برای تقویت منابع آب زیرزمینی که در وضعیت بحرانی قرار دارند بهره‌برداری کند. کارشناسان با استناد به همین داده‌ها، آسیب‌پذیری بالای هشت کلان‌شهر کشور (تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان، کرمانشاه، قم و کرج) در برابر مخاطراتی طبیعی مانند سیل و زمین‌لرزه را نیز به خوبی آشکار کرده‌اند. بر پایه آمارهای موجود ۷۳ درصد جمعیت ایران شهرنشین هستند و در شهرهایی سکونت دارند که در برابر پیشامدهای ناگهانی تاب‌آوری لازم را ندارند و مدیریت شهری و فرهنگ و آموزش شهروندی شاخص مطلوبی از تاب‌آوری را نشان نمی‌دهد. از این رو، هر حادثه‌ای در هر یک از کلان‌شهرها رخ دهد امکان تکرار آن نیز گاه با تلفات بیشتر در همان شهر یا دیگر شهرها و کلان‌شهرها وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

هر منطقه جغرافیایی حوادث و پیشامدهای خاص خود را دارد. از این رو، اصول حاکم بر مدیریت بحران حکم می‌کند که به فراخور بلایای طبیعی و مخاطرات محیطی برنامه‌ریزی متناسب و یکپارچه انجام شود تا در صورت بروز حادثه پیامدهای خسارات بار آن به کمینه ممکن برسد. کشور ما به واسطه موقعیت جغرافیایی خود، پذیرای گونه‌های مختلف بالای طبیعی و مخاطرات محیطی بوده است. در این میان، بیش از ۷۰ درصد مردم ایران در شهرها سکونت گزیده‌اند. شهرهایی که تاب‌آوری لازم در برابر مخاطرات محیطی را ندارند و شهروندان نیز آموزش متناسب با بروز بحران را ندیده‌اند. بر این پایه، در صورت بروز هر گونه مخاطره به واسطه ناکارآمدی مدیریت بحران، امکان زیان و آسیب کلان جانی و مالی وجود دارد.

